

## برکات امانت‌داری در آیات و روایات

فاطمه عزتی شهیر<sup>۱</sup>

### چکیده

بر اساس مبانی دین اسلام امانت‌داری از جمله اموری است که رعایت آن در حق مسلمان و کافر و در هر شرایطی لازم است. در روایات و آیات قرآن، علاوه بر سفارش به ادای امانت، برکات فراوانی برای آن بیان شده است که نشان از اهمیت زیادی این موضوع دارد. در این نوشتار، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی، برکات امانت‌داری در آیات و روایات بیان شده و به تشریح آن پرداخته می‌شود. نتیجه‌ای که از این نوشتار به دست آمد این است که در بعد فردی امانت‌داری موجب می‌شود انسان نزد خدا و اولیای الهی محبوبیت پیدا کند، و در بعد اجتماعی زمینه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم کرده و موجب می‌شود انسان در جامعه مقام و منزل اجتماعی بیابد. همچنین از برکات اجتماعی امانت‌داری این است که اعتماد مردم را جلب کرده و انسان امانت‌دار را نزد مردم امین و مورد اعتماد قرار می‌دهد.

**کلید واژه:** برکات اجتماعی، برکات فردی، امانت‌داری.

---

۱. سطح دو؛ شهرستان فردیس حوزه علمیه کوثر.

## مقدمه

رعایت امانت یا همان امانت‌داری یکی از اصول اخلاقی است که عقل انسان حسن آن را درک کرده و شرع مقدس نیز سفارش زیادی به آن کرده است، تا حدی که رعایت امانت در حق کافر را نیز برای مسلمانان واجب کرده است.

امانت‌داری دارای ابعاد مختلفی است، هم شامل رعایت امانت در امور جزئی و فردی زندگی می‌شود و هم در دایره امور اجتماعی، امانت‌داری نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی، رهبری جامعه، امانت‌داری نسبت به مقام و مسئولیتی که انسان قبول می‌کند، همگی داخل در مفهوم امانت‌داری هستند که مورد سفارش اسلام قرار گرفته است.

در این نوشتار هدف اصلی این است که با بررسی مفهوم امانت‌داری در آیات و روایات، برکاتی را که این مفهوم مقدس در پی دارد بیان کرده تا موجب ترغیب مردم به رعایت این مفهوم در زندگی فردی و اجتماعی شود.

فرضیه این نوشتار این است که در آیات و روایات برای امانت‌داری برکاتی بیان شده است که موجب رشد اخلاقی انسان شده و جامعه را نیز از برخی از آفات حفظ می‌کند. بر اساس همین فرضیه در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی برکات امانت‌داری مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه امانت‌داری موجب سعادت اخروی انسان می‌شود و برکات معنوی در پی دارد، و از طرفی دیگر، در پیشرفت و سعادت امور دنیای انسان نیز حایر اهمیت است، اهمیت موضوع مورد بحث روشن می‌شود.

با تحقیق و بررسی در میان منابع اسلامی روشن می‌شود که در موضوع مورد بحث یعنی امانت‌داری تاکنون برکات زیادی نوشته شده است که هر کدام دارای اهمیت است و از جهاتی با این نوشتار ارتباط دارد. برخی از این برکات اشاره می‌شود:

۱. مقاله **امانت‌داری**، نوشته عبدالله جوادی آملی. مجله پاسدار اسلام. در این مقاله کلیاتی در مورد مفهوم امانت و امانتداری در اسلام بیان شده است اما تمرکز آن بر برکات امانتداری در اسلام نبوده است لذا با مقاله حاضر تفاوت دارد.

۲. **مفهوم امانت‌داری، گستره و کاربرد آن**، اکبر آقایی؛ در این مقاله نیز در مورد مفهوم امانتداری بحث شده است. رویکرد این مقاله آیات و روایات نبوده و به خصوص در مورد برکات امانتداری بحث نکرده است.

۳. مقاله **امانت‌داری پیامبر رحمت**، فرج الله فرج اللهی. در این مقاله نیز همچون بسیاری از برکات مشابه در مورد مفهوم امانت و به خصوص در سیره رسول خدا نکات خوبی بیان شده است با این تفاوت که تمرکز آن بر تبیین برکات امانت نبوده است.

۴. در مباحث فقهی و حقوقی نیز مقالات زیادی در ارتباط با مفهوم امانت نوشته شده است از جمله مقاله **تأملی در اقسام امانت** نوشته محمد تقی علوی. با توجه به اینکه این برکات جنبه فقهی حقوقی دارند با اثر حاضر تفاوت اساسی دارند.

با بررسی هایی که صورت پذیرفت روشن می شود که در مورد برکات امانت‌داری به خصوص اثری نوشته نشده است و برکات مشابه بیشتر به توضیح اصل مفهوم امانت یا امانت‌داری بر اساس تعالیم اسلامی پرداخته اند.

سؤال اصلی این نوشتار این است که امانت‌داری بر اساس آیات و روایات چه برکاتی در پی دارد؟

این برکات در دو بعد فردی و اجتماعی در این نوشتار مورد تحقیق قرار خواهد گرفت، از این رو محور اصلی این نوشتار، بررسی برکات فردی و اجتماعی امانت‌داری از منظر آیات و روایات است.

## امانت‌داری

واژه امانت ریشه در زبان عربی دارد و در اصل از ماده امن گرفته شده است. امانت در زبان عربی ضد خوف و ترس است<sup>۱</sup>، و به معنای آرامش خاطر، سکونت، و اطمینان به کار می رود.<sup>۲</sup> امانت در زبان عربی به معنای صدق، اخلاص و پایبندی به عهد و پیمان به کار می رود<sup>۳</sup> و متضاد واژه خیانت است.<sup>۴</sup>

در زبان فارسی نیز امانت دار به کسی گفته می شود که امین و مورد اعتماد باشد و هر آنچه به او می سپرند به درستی بازگرداند، و اگر مطلبی به او گفته می شود بدرستی از آن حفاظت می کند.<sup>۵</sup> به کاری که فرد امانت دار انجام می دهد امانت‌داری گفته می شود.<sup>۶</sup>

در اصطلاح مراد از امانت داری این است که کسی چیزی را به درستی نگهدارد و در حفظ آن کوشا باشد، خواه آن چیز مال باشد یا نه، خواه ملک دیگری باشد یا نباشد، به همین جهت مفهوم امانت داری اعم از مفهوم ودیعه است زیرا ودیعه در مورد اموالی به کار می رود که ملک دیگران است.<sup>۷</sup>

## برکات فردی امانت داری در آیات و روایات

بعد از روشن شدن مقدمات این نوشتار در مورد واژه امانت داری، اکنون در مورد محور اصلی بحث یعنی برکات امانت داری بحث می شود. ابتدا در مورد برکات فردی امانت‌داری بحث می شود.

---

<sup>۱</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳ ص ۲۱

<sup>۲</sup> . جمعی از محققین، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، ص ۱۳۲؛ بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۱۲۴.

<sup>۳</sup> مهنا، لسان اللسان، ج ۱ ص ۴۶

<sup>۴</sup> . ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱ ص ۱۳۳.

<sup>۵</sup> دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱ ص ۲۲۸

<sup>۶</sup> . نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱ ص ۳۸۳.

<sup>۷</sup> . احمدنگری، جامع العلوم، ج ۱ ص ۱۷۳.

## (۱) تقرب الهی

تاکنون در مورد آثار امانت داری نزد مردم و در اجتماع نکاتی بیان شد. اما آنچه بیش از اینها دارای اهمیت است این است که انسان در نزد خدای متعال محبوب شود و نزد او جایگاه پیدا کند. به فرموده روایات،<sup>۱</sup> اگر کسی بین خود و خدا را اصلاح نماید، خدا بین او و مردم را اصلاح می سازد، از این رو آنچه در ابتدا اهمیت دارد محبوبیت نزد مردم نیست، بلکه جایگاه پیدا کردن نزد خداست.

با مراجعه به تعالیم اسلامی روشن می شود که یکی از برکاتی که امانت داری به معنای عام در پی دارد این است که انسان را به درجه رفیع نزد خدا می رساند و محبوبیت الهی برای انسان ایجاد می کند. قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ... بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، آن را به تو باز می گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده و بر آنها مسلط باشی... \* آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، خدا او را دوست می دارد؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.<sup>۲</sup>

ابتدا به شأن نزول این آیه اشاره می شود. حکایت شده که مرد ثروتمندی مقدار زیادی طلا نزد «عبد الله بن سلام» یهودی به امانت گذاشت و او با امانت داری و درستکاری، سر موقع آنها را بازگرداند. و مردی از قریش نیز مقدار کمی طلا نزد «فنحاص» یهودی به امانت گذاشت و او در آن امانت خیانت کرد. آیهی فوق نازل شد و یهودی اول را بر امانت داری ستود و یهودی دوم را به واسطه خیانت در امانت نکوهش کرد. البته برخی نیز حکایت کرده اند که قسمت اول آیه مربوط

۱. کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۳۰۷ ح ۴۷۷؛ شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۱۸۱؛ شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۲۹.

۲. آل عمران: ۷۵-۷۶.

تَخَفَ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛<sup>۱</sup> ناگهان یکی از آن دو زن به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن گوسفندان را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [شعیب] آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ستمکار نجات یافتی».

طبق برخی از روایات، دختر شعیب برای راهنمایی موسی (علیه السلام) از پیش رو حرکت می کرد و موسی (علیه السلام) از پشت سرش، باد بر لباس دختر می وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، حیا و عفت موسی (علیه السلام) اجازه نمی داد چنین شود، به دختر گفت: من از جلو می روم بر سر دو راهی ها و چند راهی ها مرا راهنمایی کن.<sup>۲</sup>

جریان حضرت موسی (علیه السلام) و عفت ورزی وی نیز همچون حضرت یوسف (علیه السلام) موجب شد ایشان به امانت داری شناخته شد، از این رو هنگامی که دختر شعیب نزد پدر آمد، موسی (علیه السلام) را به امانت داری ستود و اینگونه فرمود: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»<sup>۳</sup> یکی از آن دو دختر گفت: «ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد و او همین مرد است».

و همین صفت موجب شد ایشان نزد شعیب و خانواده اش محبوبیت پیدا کرده و در نهایت در کنار ایشان تشکیل خانواده داده و زندگی کند. از این رو می توان این نتیجه به دست آورد که نزد مردم، یکی از اموری که موجب محبوبیت شده و انسان را ارزشمند می سازد، امانت داری است که در میان اولیای الهی همواره به عنوان یک شاخصه وجود داشته است.

---

۱. قصص: ۲۵.

۲. مکارم شیرازی، زن در تفسیر نمونه، ص ۵۲۳.

۳. قصص: ۲۶.

### ۳) تحقق عدالت در جامعه اسلامی

دقت در مضمون آیات و روایات نشان می دهد که مفهوم امانت منحصر در دادن مال به دیگری یا محافظت از آن نیست. همانطور که در بحث مفهوم شناسی توضیح داده شد، امانت دارای مفهوم عامی است که از امور فردی شروع شده و دامنه آن تمام ابعاد اجتماع را در بر می گیرد. به عنوان مثال، یکی از مصادیق امانت داری این است که انسان مسئولیت های اجتماعی را به اهل آن بسپارد و اگر چنین نکند و ولایت امور را دست نااهلان دهد، خیانت در امانت الهی کرده است. این مطلب از برخی از آیات قرآن کریم قابل استفاده است. قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»<sup>۱</sup> خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد. خداوند، شنوا و بیناست.

در این آیات خدای متعال دو اصل مهم را برای جوامع بشری بیان کرده است. « اصل اول می گوید: اموال، ثروتها، پستها، مسئولیتها، سرمایه های انسانی، فرهنگها و میراثهای تاریخی همه امانتهای الهی است که بدست افراد مختلف در اجتماع سپرده می شود، و همه موظفند که در حفظ این امانات و تسلیم کردن آن به صاحبان اصلی آن بکوشند، و به هیچ وجه در این امانتها خیانت نشود. از طرفی همیشه در اجتماعات، برخوردها و تضادها و اصطکاک منافع وجود دارد که باید با حکومت عادلانه، حل و فصل شود تا هر گونه تبعیض و امتیاز نابجا و ظلم و ستم از جامعه برچیده شود.<sup>۲</sup>

بر اساس آنچه گفته شد، اصل اول این است که مردم امانت دار باشند و مسئولیت را به دست انسان صالح بسپارند، به همین جهت در روایات بیان شده است که مراد از امانت در این آیه ولایت

۱. نساء: ۵۸.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳ ص ۴۳۱.

اهل بیت (علیهم السلام) است که باید به ایشان سپرده شود.<sup>۱</sup> بر اساس جمله: «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» نتیجه این امانت داری این می شود که انسان‌های صالح والیان جامعه شده و عدالت در جامعه محقق می شود؛ به عبارت دیگر وظیفه مردم ادای امانت به اولیای الهی است، در صورتی که این امر محقق شود اثر آن متوجه خود جامعه اسلامی شده و زمینه اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم فراهم می گردد.

## نتیجه‌گیری

این نوشتار با عنوان برکات امانت داری در آیات و روایات صورت گرفت و هدف اصلی این بود که بتوان بر اساس مبانی دینی مهم ترین برکات و خیراتی که امانت داری در پی دارد بیان شود.

آنچه از این نوشتار به دست آمد این است که امانت داری در تعالیمی اسلامی دارای جایگاه خاصی است و منحصر به امانت مالی یا امور شخصی نمی شود بلکه مفهوم گسترده ای دارد که شامل ادای حق اولیای الهی و سپردن زمام امور جامعه به ایشان نیز می گردد.

امانت داری هم در بعد فردی و هم اجتماعی دارای برکاتی است . برکات فردی آن این است که انسان نزد خدای متعال محبوب شده و نزد اولیای الهی نیز منزلت پیدا می کند که بدون شک این منزلت یافتن در امور معنوی وی دارای برکاتی خواهد بود.

در بعد اجتماعی نیز امانت داری ضامن اعتماد جامعه است؛ به این معنا که امنیت و اعتماد را در جامعه اسلامی پدید آورده و مانع بی اعتمادی می گردد. همچنین امانت داری موجب می شود که انسان نزد مردم جامعه منزلت پیدا کرده و زمینه یافتن مناصب مهم برای وی فراهم شود. همچنین از روایات به دست می آید که امانت داری عاملی برای تحقق عدالت اجتماعی است.

---

۱ . حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۴۹۵.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- \* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱. بستانی، فؤاد، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. رضایی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، تهران: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: درسهای از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امیرالمومنین ع، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، زن در تفسیر نمونه، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۰. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول، بی تا.
۱۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، تهران: دارالکتب، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۱۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **ثواب الأعمال**، قم: دارالشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. احمدنگری، عبدالنبی، **جامع العلوم**، بیروت: الأعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۱۷. جمعی از محققین، **المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة**، بیروت: مشرق، چاپ اول، ۲۰۰۰م.
۱۸. حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۱۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: الاعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۳. قزوینی، ابن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق .
۲۵. مجلسی، محمد باقر، **بحارالأنوار**، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۶. مهنا، عبدالله، **لسان اللسان**، بیروت: دارالکتب، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۷. ورام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورام**، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.